

تأملی بر نقش دوره‌های آموزشی بر ایجاد روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه

سعید غیائی ندوشن^۱

سمیرا فلاحیانی^۲

چکیده

زمینه: کارآفرینی دانشگاهی به عنوان یک رویکرد و همچنین به عنوان رسالت سوم دانشگاه‌ها و آموزش عالی در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش دوره‌های آموزشی بر ایجاد و پرورش روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان انجام شد.

روش: طرح پژوهش کمی و روش آن توصیفی از نوع پیمایشی است. داده‌های این پژوهش با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته بر اساس ابعاد مطرح شده توسط مک کلاند جمع آوری شد. روایی آن توسط صاحب‌نظران و خبرگان مورد تأیید قرار گرفت و پایایی ابزار نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ محاسبه شد که ۰/۹۲ گزارش شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی به تعداد ۲۵۰۰ نفر است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ در پردیس مرکزی مشغول به تحصیل بودند. از این تعداد با استفاده از روش نمونه‌گیری نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای و از طریق جدول مورگان ۳۳۵ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

یافته‌ها: طبق یافته‌های پژوهش همه مؤلفه‌های کارآفرینی که در این پژوهش مورد اندازه‌گیری قرار گرفته‌اند (توفیق‌طلبی، تحمل ابهام، اعتماد به نفس، مخاطره‌پذیری و خلاقیت) کمتر از حد متوسط

۱. استادیار گروه مدیریت و برنامه‌ریزی آموزشی دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول) ghiasi.saeed@gmail.com

۲. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی از دانشگاه علامه طباطبائی mehrpooyan77@yahoo.com

گزارش شده‌اند. همچنین نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه کارآفرینی و مؤلفه‌های آن در بین دانشجویان مرد و زن تفاوت معناداری نداشت.

نتیجه‌گیری: دوره‌های آموزشی که دانشگاه علامه طباطبایی برگزار می‌کند بر پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان تأثیر ندارند و لذا برنامه‌های آموزشی این دانشگاه با نگاهی استراتژیک باید بازاندیشی، بازطراحی و بازآفرینی شوند.

کلیدواژه‌ها: دوره‌های آموزشی، کارآفرینی، روحیه کارآفرینی، کارآفرینی دانشگاهی.

مقدمه

کارآفرینی موتور محرک توسعه و پیشرفت اقتصادی و ایجاد شغل و اصلاح اجتماع محسوب می‌شود (Gürol & Atsan, 2006) و روحیه کارآفرینی پیش برنده بسیاری از موفقیت‌های بشر بوده است و تغییر تاریخ به احتمال زیاد در قالب کارآفرینی ادامه می‌یابد (جعفری مقدم و فخارزاده، ۱۳۹۰). در دنیای در حال تحول و پیشرفت امروزی که زندگی خواسته یا ناخواسته تحت تأثیر علم و فناوری قرار دارد کامیابی و موفقیت برای جامعه‌ای به دست می‌آید که از نیروی کار ماهر و متخصص، خلاق و خودباور برخوردار باشد. چراکه در عرصه جهانی افراد خلاق و مبتکر در جایگاه کارآفرینان، منشأ تحولات بزرگی در زمینه صنعت آموزش شده‌اند. البته بازهم در میان این جوامع افرادی پیشتازند که بتوانند میان منابع و قابلیت‌های کارآفرینی منابع انسانی خود رابطه معناداری برقرار کنند. بنابراین، ایجاد و گسترش فرهنگ کارآفرینی ضرورتی جدی در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشورهاست و آنچه در فرهنگ‌سازی نقش عمده‌ای دارد **آموزش** است؛ زیرا تبدیل شدن به یک کارآفرین و عمل کردن در جایگاه یک کارآفرین موفق ایجاد فرایند یادگیری کارآفرینی است (رضایی، ۱۳۹۲).

در اغلب موارد دانشگاه‌ها به مثابه مؤسسات آموزشی شناخته می‌شوند. اما افراد چه چیزهایی در دانشگاه‌ها می‌آموزند؟ آیا آنچه در دانشگاه‌ها آموخته می‌شود منعکس‌کننده

ملزومات یک جامعه کارآفرین است؟ همان‌گونه که در سطح یادگیری دیده می‌شود، دانشگاه‌ها به‌طور کلی در سطح نخست یادگیری عمل می‌کنند؛ یعنی، ایجاد دانش و انتقال دانش جدید و قدیم به دانشجویان. سطح دوم یادگیری که مهم‌ترین و مولدترین بخش یادگیری است، ممکن است کنار گذارده شود و سطح سوم نیز به‌طور گسترده‌ای نادیده گرفته شود و حتی ممکن است منفی تلقی شود. تمرکز دانشگاه‌ها در سطح دوم یادگیری باید بر توانایی سمت چپ مغز باشد. این توانایی‌ها اولین نیازهای کارآفرینان نوآور در سطح بازار هستند که نه آموزش داده می‌شوند و نه ارزیابی (صفرزاده، فرهنگی، ۱۳۸۶).

تا مدت‌ها تصور غالب این بود که کارآفرینی خصوصیتی است ویژه فرد و ارثی و تحصیل و آموزش تأثیری بر کارآفرین شدن افراد ندارد (Levie, 1999)؛ ولی شواهد موجود نشان می‌دهند که کارآفرینی در نتیجه دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی پرورش می‌یابد (سالازار و همکاران، ۱۳۸۳). به عقیده راسموسن مراکز آموزشی می‌توانند با دوره‌های آموزشی که برگزار می‌کنند انگیزه و شایستگی فارغ‌التحصیلان را افزایش داده و آن‌ها را افرادی برجسته در فعالیت‌های کارآفرینی، پرورش دهند (Rasmussen & Srheim, 2006). دانشگاه‌ها از طریق آموزش ویژگی‌های کارآفرینانه نظیر؛ توفیق‌طلبی، خطرپذیری، تحمل ابهام، اعتمادبه‌نفس، نوآوری و خلاقیت، باعث بهبود کارآفرینی در میان دانشجویان می‌شوند (Rol & Atson, 2014).

کارآفرینی باعث رشد و توسعه اقتصادی کشورها و به‌ویژه کشورهای توسعه‌یافته شده است. برخی از نویسندگان معاصر در مورد اقتصاد کارآفرینی صحبت می‌کنند و در این میان نقش دانشگاه‌ها و دیگر مؤسسات آموزش عالی در این الگوی جدید اقتصادی نیز برجسته است (Nabi & Linan, 2011). سانچز (2011) در تحقیق خود به این نتیجه رسید که دوره‌ها و برنامه‌های آموزشی خودباوری، خطرپذیری، و قصد خوداشتغالی را در دانشجویان پرورش می‌دهد. بنابراین، دوره‌های آموزشی بر پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان تأثیر مثبت دارند؛ از این رو، کشورهای درحال توسعه مانند ایران نیز برای دستیابی به مزیت‌های رقابتی و

حل مسائل و مشکلات عمومی جامعه مانند بیکاری و نظایر آن به توسعه کارآفرینی ملزم هستند.

اگرچه تاکنون مطالعات مختلفی درباره آموزش کارآفرینی انجام شده است، اما بررسی نقش و ضرورت دوره‌های آموزشی بر ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان - که در حقیقت نوعی آسیب‌شناسی از نظام آموزشی است - موضوعی است که نیازمند کار و مطالعه بیشتر است. آموزش یکی از متغیرهای اصلی است که در زمره عوامل سازمانی مؤثر بر کارآفرینی قرار دارد. بنابراین، هدف از اجرای پژوهش حاضر بررسی نقش دوره‌های آموزشی با ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان و در نهایت ارائه سازوکارهای ارتقاء و توسعه کارآفرینی دانشگاه علامه طباطبایی است. بنابراین، برای یافتن پاسخ مسئله بالا این سؤال مطرح می‌شود که آیا دوره‌های آموزشی که در حال حاضر دانشگاه علامه طباطبایی برگزار می‌کند بر ایجاد روحیه کارآفرینی در دانشجویان تأثیر دارد؟

هدف پژوهش

هدف کلی این پژوهش بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی بر پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی است.

اهداف جزئی

- ۱- بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی بر توفیق‌طلبی در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی
- ۲- بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی بر مخاطره‌پذیری در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی
- ۳- بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی بر تحمل ابهام در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی

۴- بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی بر اعتمادبه‌نفس در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی

۵- بررسی تأثیر دوره‌های آموزشی بر خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی

چهارچوب نظری و پیشینه پژوهش

امروزه مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها دانش‌آموختگان بسیاری را برای بازار کار تربیت می‌کنند که در توسعه اقتصادی نقش دارند. در محیط امروز، صرف پول برای تحصیلات نقش بسیاری در توسعه اقتصادی دارد. بنابراین، آموزش برای حفظ سطوح بودجه‌ای خود با مشکلات زیادی مواجه است. از این رو، نهادهای آموزشی باید خودشان را با خلق ارزش اثبات کنند. دانشگاه‌ها در سطح جهان از فراهم آوردن محیطی برای کسب دانش به مکانی برای تربیت افراد برای ایجاد شرکت‌های بزرگ تکامل یافته‌اند که نیازهای بازار را برای خدمات آموزشی برآورده می‌کنند. اما با توجه به توانایی‌های محیط فعلی، مدیران دانشگاه‌ها نمی‌توانند صرفاً به تلاش‌های دانشجویان برای نیل به موفقیت اتکا کنند. به علاوه، آنان باید فعال و نوآور باشند و توانایی مخاطره‌پذیری داشته باشند؛ لازم است رویکردی جامع برای ارزیابی اتخاذ کنند و آن را با کارآفرینی استراتژیک خود یکپارچه کنند (شریفی، ۱۳۹۱). با عنایت به اینکه بحث کارآفرینی در سازمان‌های گوناگون و حوزه‌های علمی و عملی متنوعی وارد شده است و توجه به این مقوله در کلیه نهادهای جامعه ضروری به نظر می‌رسد، مطالعه آن در حوزه دانشگاه اهمیت و ضرورتی دوچندان دارد؛ زیرا دانشگاه یکی از تأثیرگذارترین و مهم‌ترین نهادهای جامعه است و در پیشرفت و اعتلای جامعه نقشی اساسی ایفا می‌کند. کارآفرینی در دانشگاه از جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی بررسی می‌شود که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، مشارکت دانشگاه‌ها در توسعه اقتصادی جوامع با ورود به حوزه کسب و کار

و به عبارتی «تجاری سازی دانش» است. از طرف دیگر، با توجه به تحولات انجام شده در جهان، توجه دانشگاه به این مقوله برای حفظ بقای آن ضروری است (ندیو خانلو، ۱۳۸۷).

کارآفرینی، خلاقیت و کسب کارهای ریسکی به منزله سوخت موتور اقتصاد مدرن در نظر گرفته شده‌اند. کارآفرینان، افراد، گروه‌ها یا مردمانی هستند که کسب و کار جدیدی را تأسیس و اداره می‌کنند به گونه‌ای که حداقل برای بیش از یک نفر اشتغال ایجاد کنند (Kirkwood, 2007). یک کارآفرین با توجه به ویژگی توفیق‌طلبی و باهدف بهبود عملکرد (رشد سود و...) خود شرایط چالشی و رقابتی، به تأسیس و اداره کردن یک کسب و کار اقدام می‌کند (McClelland, 1987; Hansemark, 2003; Utsch And Rauch, 2011). این خصوصیت منحصر به فردی است که کارآفرینان را در راستای موفقیت در کار و تعالی، به سوی رودررو در کار برمی‌انگیزاند (Atkinson And Raynor, 1974; Grote & James, 1991).

ریسک‌پذیری یکی دیگر از ویژگی‌های افراد کارآفرین است که بر آن تأکید زیادی شده است (Ho and Koh, 1992). فرد ریسک‌پذیر کسی است که تمایل زیادی دارد تا در موقعیت‌های تصمیم‌گیری نامطمئن کار کنند (Koh, 2011). از منظر کارآفرینی، کارآفرینان همواره در جست‌وجوی خطر هستند (Agarwal & Prasad, 2014) و کارآفرینان کسانی هستند که تمایل دارند تا از منابع خود در فرصت‌هایی استفاده کنند که احتمال شکست در آن‌ها زیاد است. مک‌کلند معتقد است کارآفرینان با ویژگی‌های داشتن اعتماد به نفس، توانایی پذیرش ریسک محاسبه شده، نیاز به بررسی محیط و تمایل به داشتن بازخورد از عملکرد خود شناخته می‌شوند (Kliem and Ludin, 2000).

موضوع کارآفرینی از جنبه‌های متعدد و از جنبه رشته‌های مختلف علمی نظیر اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مطالعه و بررسی شده است. درباره کارآفرینی به‌مانند سایر موضوع‌ها در علوم انسانی نیز مطالعات متعدد و متنوعی وجود دارد (احمدپور، ۱۳۸۱). در خصوص آموزش کارآفرینی، عده‌ای بر وراثتی بودن کارآفرینی تکیه دارند در حالی که عده‌ای دیگر معتقدند که با آموزش می‌توان ویژگی‌های کارآفرینانه را در افراد ایجاد کرد

(صالحی و برادران، ۱۳۸۴). بعضی از یافته‌های تجربی نشان داده‌اند که با استفاده از آموزش می‌توان ویژگی‌های کارآفرینی را تعلیم داد یا حداقل ترغیب کرد؛ بعضی دیگر از تحقیقات بین آموزش‌های دانشگاهی و ایجاد کارآفرینی رابطه معناداری نشان نداده است و پژوهشگران این تحقیقات معتقد بودند که آموزش‌های دانشگاهی در پرورش روحیه کارآفرینی مؤثر نیست.

عزیزی (۱۳۸۲) معتقد است که در مراکز آموزشی، زمینه بروز و پرورش ویژگی‌های کارآفرینانه فراگیران فراهم نشده است. احمدی (۱۳۸۵) اشاره کرده است که برنامه‌های درسی دانشگاه نتوانسته است دانش و مهارت‌های مورد نیاز کارآفرینان را در دانشجویان پرورش دهد و دانش‌آموختگان حتی آنان که روحیه کارآفرینی دارند پس از اتمام تحصیلات آماده ایجاد کسب و کار برای خود نیستند. حسینی (۱۳۸۷) در پژوهشی برای ارزیابی تأثیر دوره آموزشی کارشناسی ارشد کارآفرینی و سنجش سه عامل قصد کارآفرینی، امکان‌پذیری درک شده و مطلوبیت درک شده در دو مرحله با مقایسه نتایج نشان داد، پس از گذراندن دوره آموزشی، مطلوبیت درک شده دانشجویان افزایش می‌یابد؛ اما امکان‌پذیری درک شده و قصد کارآفرینی دانشجویان تغییر معناداری نمی‌یابد. شکاری و همکاران (۱۳۸۸) اعتقاد دارند که درس دوره‌های آموزشی نتوانسته است اطلاعات و مهارت‌های کارآفرینی مورد نظر برای ورود به بازار کار را در دانش‌آموختگان فراهم کند. روپکه^۱ (2006) در مطالعه‌ای نشان داد که کارآفرینی پلی روی شکاف میان دانستن و اقدام و تبدیل دانش به مرحله عمل است. فایول و همکاران^۲ (2006) در مطالعه‌ای که بر روی دانشجویان فرانسوی شرکت کننده در دوره تخصصی مدیریت انجام دادند، نشان دادند که اثر برنامه‌های آموزش کارآفرینی بر روی دانشجویانی که در ابتدا قصد کارآفرینی پایینی داشتند مثبت بود و برعکس برای دانشجویانی منفی بود که از ابتدا قصد کارآفرینی بالایی داشتند. سانچز^۳ (2011) در مطالعه بر روی

1. Ropke
2. Fayolle et al
3. Sanchez

دانشجویان رشته‌های اقتصاد، علوم اجتماعی، فنی، حقوق و بهداشت کشور اسپانیا نشان داد که خودباوری، خطرپذیری، پشتتاز بودن و قصد خوداشتغالی به‌طور مشخصی بعد از برنامه‌های آموزش کارآفرینی در مقایسه با قبل از برنامه‌های آموزشی افزایش یافته است. ویلسون و همکاران^۱ (2013) ابراز می‌کنند آموزش کارآفرینی نقش مهمی در بالا بردن سطح خودکارآمدی و قصد شروع فعالیت اقتصادی ایفا می‌کند.

روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، روش تحقیق در این مطالعه کمی از نوع پیمایشی است. جامعه آماری در بخش کمی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی است که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند. نمونه آماری با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تک‌مرحله‌ای به حجم ۳۰۰ نفر بر اساس جدول مورگان انتخاب شده است. ابزار جمع‌آوری یافته‌ها پرسشنامه محقق ساخته است که روایی آن با استفاده از نظرات متخصصان و خبرگان تأیید شده است و پایایی آن نیز با استفاده از فرمول آلفای کرونباخ ۹۲٪ به‌دست آمده است. برای تحلیل یافته‌ها، روش‌های آماری به‌کاررفته در قسمت کمی این پژوهش شامل هردو بخش آمار توصیفی و استنباطی بوده است. در سطح آمار توصیفی از میانگین، انحراف استاندارد، فراوانی برای توصیف شرایط موجود استفاده شد. در سطح آمار استنباطی برای تعمیم صفت‌های نمونه به جامعه از آزمون تی تک نمونه برای پاسخ به سؤال اصلی و پنج سؤال فرعی استفاده شد. از آزمون تی مستقل برای مقایسه بین متغیرهای دموگرافیک استفاده شد. در آزمون تی تک نمونه‌ای برای متغیر روحیه کارآفرینی عدد ۱۸۶ میانگین حد وسط انتخاب شد. برای مؤلفه‌های مخاطره‌پذیری و توفیق‌طلبی عدد ۴۵، برای مؤلفه تحمل ابهام عدد ۳۳، برای مؤلفه خلاقیت عدد ۳۹ و برای مؤلفه اعتمادبه‌نفس عدد ۲۴ میانگین حد وسط انتخاب شدند. برای توصیف و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار اس پی اس ۲۲^۲ استفاده شد.

1. Wilson et al
2. 22 SPSS

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که گفته شد این پژوهش باهدف بررسی نقش دوره‌های آموزشی بر پرورش روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و ارائه راهکارهای ارتقاء آن انجام شده است. به این منظور پرسشنامه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی که در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ مشغول به تحصیل بودند توزیع شد و داده‌های جمع‌آوری شده با استفاده از نرم‌افزار اس پی اس ۲۲ تحلیل شد.

بر اساس یافته‌های پژوهش ۸۸ نفر معادل (۲۹/۳ درصد) از پاسخگویان مرد و ۲۰۹ نفر (معادل ۶۹/۷ درصد) از پاسخگویان زن بودند. ۶ درصد از پاسخگویان متعلق به دانشجویان دانشکده اقتصاد و ۴/۷ درصد متعلق به مؤسسه آموزش عالی اکو، ۱۱ درصد متعلق به دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۵/۷ درصد متعلق با دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۴ درصد متعلق به دانشکده علوم اجتماعی، ۱۰/۷ درصد متعلق به دانشکده مدیریت و حسابداری، ۶/۳ درصد متعلق به دانشکده ادبیات و زبان‌های خارجی، ۴/۷ درصد متعلق به دانشکده معارف اسلامی، ۸ درصد متعلق به دانشکده ارتباطات ۶/۳ درصد متعلق به دانشکده علوم ریاضی و ۲/۳ درصد متعلق به دانشکده تربیت‌بدنی بود. ۰/۳ درصد از دانشجویان نیز بخش مربوط به دانشکده را بدون پاسخ گذاشته بودند. ۱۸۲ نفر (معادل ۶۰/۷ درصد) از دانشجویان دارای مهارت و تخصص معین بودند و ۱۱۴ نفر (معادل ۳۸ درصد) بدون مهارت و تخصص معین بودند. ۳۰/۷ درصد از دانشجویان قبلاً اقدام به کسب‌وکار کرده‌اند یا در راه‌اندازی کسب‌وکاری همکاری داشته‌اند و ۶۸/۳ درصد قبلاً به کسب‌وکاری اقدام نکرده‌اند یا در راه‌اندازی آن همکاری نداشته‌اند. ۶۵ درصد از دانشجویان تمایل به راه‌اندازی کسب‌وکار داشتند و ۳۵ درصد تمایلی به راه‌اندازی کسب‌وکار نداشتند.

جدول ۱. میانگین و انحراف استاندارد روحیه کارآفرینی و مؤلفه‌هایش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد
روحیه کارآفرینی	۱۴۷/۰۶	۲۵/۴۸
توفیق طلبی	۳۳/۰۸	۸/۷۸
مخاطره پذیری	۳۶/۰۴	۸/۸۵
تحمل ابهام	۳۰/۴۵	۷/۱۴
اعتماد به نفس	۱۷/۷۳	۴/۶۴
خلاقیت	۲۹/۷۷	۷/۳۶

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین و انحراف استاندارد متغیر روحیه کارآفرینی به ترتیب ۱۴۷/۰۶ و ۲۵/۴۸ بوده است. میانگین و انحراف استاندارد مؤلفه توفیق طلبی ۲۳/۰۸ و ۸/۷۸ و مؤلفه مخاطره‌پذیری ۳۶/۰۴ و ۸/۸۵ و تحمل ابهام ۳۰/۴۵ و ۷/۱۴ و مؤلفه اعتماد به نفس ۱۷/۷۳ و ۴/۶۴ و خلاقیت ۲۹/۷۷ و ۷/۳۶ بوده است.

۱- سؤال اصلی پژوهش: وضعیت نقش دوره‌های آموزشی بر پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی چگونه است؟
قبل از پاسخ به سؤالات پژوهش مفروضه نرمال بودن متغیرهای وابسته (روحیه کارآفرینی و مؤلفه‌های آن) بررسی شد که مفروضه نرمال بودن در همه متغیرها با سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ تأیید شد ($p > 0.05$).

جدول ۲. آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت روحیه کارآفرینی دانشجویان

متغیرها	درجه آزادی	تفاوت میانگین	تی محاسبه شده	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
روحیه کارآفرینی	۲۹۹	-۳۸/۹۳	-۲۶/۴۶	۰/۰۰۱	-۴۱/۸۳	-۳۶/۰۴

همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با

درجه آزادی ۲۸۹ و تی محاسبه شده ۲۶/۴۶- و سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت معناداری را در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین میانگین حد وسط (۱۸۶) و میانگین ایجاد روحیه کارآفرینی (۱۴۷/۰۶) نشان می‌دهد. پس، می‌توان نتیجه گرفت میانگین ایجاد روحیه کارآفرینی کمتر از میانگین حد وسط است که نشان می‌دهد وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه کارآفرینی دانشجویان کمتر از حد وسط است.

۲- وضعیت تأثیر دوره‌های آموزشی بر توفیق طلبی در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی چگونه است؟

جدول ۳. آزمونی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت توفیق طلبی دانشجویان

متغیرها	درجه آزادی	تفاوت میانگین	تی محاسبه شده	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
توفیق طلبی	۲۸۹	-۱۱/۹۱	-۲۳/۴۹	۰/۰۰۱	-۱۲/۹۱	-۱۰/۹۲

همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه توفیق طلبی دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی با درجه آزادی ۲۸۹ و تی محاسبه شده ۲۳/۴۹- و سطح معناداری ۰/۰۰۱ تفاوت معناداری را در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین میانگین حد وسط (۴۵) و میانگین ایجاد روحیه توفیق طلبی (۳۳/۰۸) نشان می‌دهد. یعنی اینکه میانگین ایجاد روحیه توفیق طلبی کمتر از میانگین حد وسط است که نشان می‌دهد وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه توفیق طلبی دانشجویان کمتر از حد وسط است.

۳- وضعیت تأثیر دوره‌های آموزشی بر مخاطره پذیری در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی چگونه است؟

جدول ۴. آزمونی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت مخاطره پذیری

متغیرها	درجه آزادی	تفاوت میانگین	تی محاسبه شده	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
مخاطره پذیری	۲۸۹	-۸/۹۶	-۱۷/۵۴	۰/۰۰۱	-۹/۹۷	-۷/۹۶

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه مخاطره‌پذیری دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با درجه آزادی ۲۸۹ و تی محاسبه‌شده $17/54$ و سطح معناداری $0/001$ تفاوت معناداری را در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین میانگین حد وسط (۴۵) و میانگین ایجاد روحیه مخاطره‌پذیری (۳۶/۰۴) نشان می‌دهد. یعنی اینکه میانگین ایجاد روحیه مخاطره‌پذیری کمتر از میانگین حد وسط است که نشان می‌دهد وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه مخاطره‌پذیری دانشجویان کمتر از حد وسط است.

۴- وضعیت تأثیر دوره‌های آموزشی بر تحمل ابهام در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی چگونه است؟

جدول ۵. آزمونی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت تحمل ابهام دانشجویان

متغیرها	درجه آزادی	تفاوت میانگین	تی محاسبه‌شده	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
تحمل ابهام	۲۸۹	-۲/۵۵	-۶/۱۸	۰/۰۰۱	-۳/۳۷	-۱/۷۴

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می‌شود آزمون تی تک نمونه‌ای برای وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه تحمل ابهام دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با درجه آزادی ۲۸۹ و تی محاسبه‌شده $6/18$ و سطح معناداری $0/001$ تفاوت معناداری را در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین میانگین حد وسط (۳۳) و میانگین ایجاد روحیه تحمل ابهام (۳۰/۴۵) نشان می‌دهد. طبق یافته‌های پژوهش میانگین ایجاد روحیه تحمل ابهام کمتر از میانگین حد وسط است که نشان می‌دهد وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه تحمل ابهام دانشجویان کمتر از حد وسط است.

۵- وضعیت تأثیر دوره‌های آموزشی بر اعتمادبه‌نفس در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی چگونه است؟

جدول ۶. آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت اعتمادبه‌نفس دانشجویان

متغیرها	درجه آزادی	تفاوت میانگین	تی محاسبه‌شده	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
اعتمادبه‌نفس	۲۸۹	-۶/۲۷	-۲۳/۳۹	۰/۰۰۱	-۶/۸۰	-۵/۷۵

همان‌طور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد اعتمادبه‌نفس دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با درجه آزادی ۲۸۹ و تی محاسبه‌شده $-۲۳/۳۹$ و سطح معناداری $۰/۰۰۱$ تفاوت معناداری را در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین میانگین حد وسط (۲۴) و میانگین اعتمادبه‌نفس ($۱۷/۷۳$) نشان می‌دهد. بر اساس نتایج این بخش میانگین اعتمادبه‌نفس کمتر از میانگین حد وسط است که نشان می‌دهد وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه اعتمادبه‌نفس دانشجویان کمتر از حد وسط است.

۶- وضعیت تأثیر دوره‌های آموزشی بر خلاقیت در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی چگونه است؟

جدول ۷. آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت خلاقیت دانشجویان

متغیرها	درجه آزادی	تفاوت میانگین	تی محاسبه‌شده	سطح معناداری	حد پایین	حد بالا
خلاقیت	۲۹۹	-۹/۲۳	-۲۱/۷۲	۰/۰۰۱	-۱۰/۰۷	-۸/۳۹

همان‌طور که در جدول ۷ مشاهده می‌شود آزمون تی تک نمونه‌ای برای بررسی وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد خلاقیت دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی با درجه آزادی ۲۸۹ و تی محاسبه‌شده $-۲۱/۷۲$ و سطح معناداری $۰/۰۰۱$ تفاوت معناداری را در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین میانگین حد وسط (۳۹) و میانگین ایجاد خلاقیت ($۲۹/۷۷$) نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین مؤلفه خلاقیت کمتر از میانگین حد وسط است که نشان می‌دهد وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد خلاقیت دانشجویان کمتر از حد وسط است.

جدول ۸. آزمون تی مستقل برای بررسی تفاوت وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه کارآفرینی و مؤلفه‌های آن بین دانشجویان مرد و زن

متغیرها	مرد		زن		DF	T	SIG
	SD	M	SD	M			
کارآفرینی	۲۴/۳۳	۱۴۳/۵۹	۲۶/۰۲	۱۴۸/۶۱	۲۹۵	-۱/۵۴	۰/۱۲۳
توفیق طلبی	۸/۳۵	۳۲/۳۸	۹/۰۰	۳۳/۴۵	۲۹۵	-۰/۹۵	۰/۳۳۸
مخاطره‌پذیری	۸/۹۷	۳۴/۵۷	۸/۷۵	۳۶/۵۶	۲۹۵	-۱/۷۷	۰/۰۷۷
تحمل ابهام	۷/۱۶	۲۹/۴۳	۷/۱۳	۳۰/۹۵	۲۹۵	-۱/۶۷	۰/۰۹۶
اعتمادبه‌نفس	۴/۲۲	۱۷/۵۰	۴/۸۱	۱۷/۸۹	۲۹۵	-۰/۶۵	۰/۵۱۵
خلاقیت	۷/۲۷	۲۹/۷۲	۷/۴۶	۲۹/۷۸	۲۹۵	-۰/۰۶	۰/۹۵۰

همان‌طورکه در جدول ۸ مشاهده می‌شود وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه کارآفرینی و مؤلفه‌های آن در بین دانشجویان مرد و زن تفاوت معناداری با سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ وجود نداشت ($P > 0/05$).

جدول ۹. آزمون تی مستقل برای بررسی تفاوت وضعیت نقش دوره‌های آموزشی در ایجاد روحیه کارآفرینی و مؤلفه‌های آن بین دانشجویان با و بدون مهارت یا تخصص معین

متغیرها	با تخصص معین		بدون تخصص معین		DF	T	SIG
	SD	M	SD	M			
کارآفرینی	۲۴/۰۹	۱۴۳/۴۲	۲۷/۰۸	۱۵۲/۶۰	۲۹۴	-۳/۰۳	۰/۰۰۳
توفیق طلبی	۸/۱۲	۳۱/۸۲	۹/۵۵	۳۵/۱۸	۲۹۴	-۳/۲۳	۰/۰۰۱
مخاطره‌پذیری	۸/۴۴	۳۵/۰۵	۹/۴۲	۳۷/۴۸	۲۹۴	-۲/۳۰	۰/۰۲۲
تحمل ابهام	۷/۵۸	۳۰/۵۹	۶/۵۴	۳۰/۱۵	۲۹۴	۰/۵۱	۰/۶۰
اعتمادبه‌نفس	۴/۵۸	۱۷/۳۹	۴/۷۳	۱۸/۳۶	۲۹۴	-۱/۷۴	۰/۰۸۲
خلاقیت	۶/۶۳	۲۸/۵۷	۸/۰۹	۳۱/۴۳	۲۹۴	-۳/۳۱	۰/۰۰۱

همان‌طورکه در جدول ۹ مشاهده می‌شود در متغیر روحیه کارآفرینی و مؤلفه‌های توفیق طلبی و خلاقیت در سطح ۹۹ درصد اطمینان بین دانشجویان با و بدون تخصص و مهارت معین تفاوت معنادار وجود داشت ($p < 0/01$). در مؤلفه مخاطره‌پذیری در سطح ۹۵ درصد

اطمینان بین دانشجویان با و بدون تخصص معین تفاوت معنادار وجود داشت ($P < 0/05$). در مؤلفه‌های اعتماد به نفس و تحمل ابهام با سطح معناداری بزرگ‌تر از ۰/۰۵ تفاوت معنادار بین دو گروه وجود نداشت. در متغیر کارآفرینی و مؤلفه‌های توفیق‌طلبی و مخاطره‌پذیری و خلاقیت دانشجویانی که بدون مهارت یا تخصص معین بودند میانگین بیشتری داشتند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف از این پژوهش، بررسی نقش دوره‌های آموزشی بر ایجاد روحیه کارآفرینی در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی و ارائه راهکارهای ارتقاء آن بوده است. برای این منظور، از روش تحقیق آمیخته (کمی-کیفی) استفاده شد. در بخش کیفی از تحلیل اسناد، مشاهده و مصاحبه با مدرسان و اعضای هیئت‌علمی انجام شد. در بخش کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. پس از تجزیه و تحلیل بخش کیفی و کمی نتایج زیر حاصل شده است.

با توجه به یافته‌های پژوهش در بخش کمی، به‌منظور بررسی نقش دوره‌های آموزشی بر پرورش روحیه کارآفرینی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی از روش توصیفی-پیمایشی استفاده شد. به این منظور پرسشنامه‌ای محقق ساخته برای اندازه‌گیری میزان نگرش دانشجویان در مورد مؤلفه‌های کارآفرینی (توفیق‌طلبی، مخاطره‌پذیری، تحمل ابهام، خلاقیت و اعتماد به نفس) تدوین و اجرا شد. طبق نظر دانشجویان مؤلفه توفیق‌طلبی با میانگین ۳۳/۰۸ درصد کمتر از میانگین حد وسط (۴۵) است که بر اساس تحلیل آماری به‌دست آمده است. یعنی، مؤلفه مذکور در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی وضعیتی نامطلوب دارد. پس می‌توان نتیجه گرفت که دانشگاه علامه طباطبایی برای بهبود این مؤلفه باید آموزش‌هایی را در نظر بگیرد که در ادامه به ذکر آن‌ها خواهیم پرداخت. همچنین مؤلفه مخاطره‌پذیری با میانگین ۳۶/۰۴ و میانگین حد وسط ۴۵ نیز پایین‌تر از حد مطلوب گزارش شده است. این نتیجه نشان‌دهنده این است که این مؤلفه نیز کمتر از حد مطلوب است و در بین دانشجویان دانشگاه

علامه طباطبایی وضعیتی مشابه با مؤلفه توفیق طلبی دارد؛ یعنی، وضعیت نامساعدی دارد. دانشگاه باید برای بهبود این مؤلفه نیز آموزش‌هایی در نظر بگیرد. مؤلفه سوم که تحمل ابهام است نیز وضعیتی مانند دو مؤلفه قبل دارد. این مؤلفه با میانگین $30/45$ و میانگین حد وسط 33 نیز پایین‌تر از حد وسط گزارش شده است؛ یعنی، مؤلفه ذکر شده وضعیتی نامطلوب در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی دارد. مؤلفه اعتماد به نفس با میانگین $17/37$ و حد وسط 24 نیز کمتر از حد وسط گزارش شده است. پس می‌توان نتیجه گرفت که دوره‌های آموزشی که در دانشگاه علامه طباطبایی برگزار می‌شود بر روحیه اعتماد به نفس دانشجویان که یکی از مؤلفه‌های کارآفرینی است تأثیر بسزایی ندارد. پنجمین مؤلفه‌ای که بررسی شد خلاقیت دانشجویان بود؛ این مؤلفه نیز وضعیتی مشابه مؤلفه‌های قبل داشته است. یعنی، با میانگین $29/77$ و میانگین حد وسط 39 ، پایین‌تر از حد مطلوب بود و نشان‌دهنده وضعیتی نامطلوب در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی دارد. به‌طور کلی متغیر دوره‌های آموزشی دانشگاه علامه طباطبایی با میانگین $147/06$ و میانگین حد وسط 186 ، کمتر از حد مطلوب گزارش شده است. پس بر اساس نتایج تحقیق چنین به نظر می‌رسد که دوره‌های آموزشی که دانشگاه علامه طباطبایی برگزار می‌کند، تأثیری بر پرورش روحیه کارآفرینی دانشجویان ندارد و دانشگاه باید برای بهبود کارآفرینی، که به‌منزله رسالت سوم دانشگاه‌ها نیز مطرح است، توجه بیشتری کند و راهکارهایی که در بالا به آن‌ها اشاره شد بیشتر توجه کند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های داخلی: عزیزی (۱۳۸۲)، احمدی (۱۳۸۵)، حسینی (۱۳۸۷) و پژوهش‌های خارج از کشور فایول و همکاران (۲۰۰۶)، سانچز (۲۰۱۱)، آگاروروال و پراسد (۲۰۱۴) هم‌خوانی داشت.

در هزاره سوم و با ظهور مسائل اقتصادی و فرهنگی گوناگون در سطح کشورها و تغییر الگوی زندگی و انتظارات قشرهای گوناگون، نقش دانشگاه‌ها در پاسخگویی به نیازهای رو به افزایش مردم و صنایع بیشتر از هر زمان دیگری است. بنابراین، بین دانشگاه و جامعه باید نوعی توافق چندگانه انجام شود در غیر این صورت توسعه اجتماعی و اقتصادی

کم‌رنگ می‌شود. تحولات جمعیتی کشور در دو دهه گذشته و روند افزایش جمعیت و بالا رفتن نرخ بیکاری، مجریان و برنامه‌ریزان کشور را با چالش‌های جدی مواجه ساخته است. روند افزایش متقاضیان کار به دلیل جوان‌بودن جمعیت نیازمند چاره‌اندیشی اساسی است. یکی از نهادهایی که تأثیرگذاری بالایی در این تغییر و تحولات دارد نظام آموزش عالی است که پرورش نیروی انسانی متخصص و موردنیاز جامعه را عهده‌دار است. اگرچه دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی کشور دست به تلاش‌هایی در این زمینه زده‌اند ولی متأسفانه هم‌خوانی نداشتن درس‌های دانشگاهی با آموزش مهارت‌های مرتبط با نیازهای جامعه اطلاعاتی باعث شده است دانش‌آموختگان از تخصص و کارایی لازم برخوردار نباشند. از این‌رو، با توجه به روند افزایش جمعیت و تقاضا برای ورود به دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های آموزش عالی و بحران اشتغال از یک‌سو و مشکلات اقتصادی از سوی دیگر، مسئله کارآفرینی اهمیت ویژه‌ای یافته است.

همچنین، با توجه به اینکه اشتغال و بیکاری از جمله موضوع‌های اساسی اقتصاد هر کشوری است و افزایش اشتغال و کاهش بیکاری از مهم‌ترین شاخص‌های توسعه‌یافتگی جوامع تلقی می‌شود، یکی از دغدغه‌های اساسی برنامه‌های توسعه‌ای در کشور ما تلاش برای کاهش معضل بیکاری است. در چنین شرایطی یکی از راهکارهای اساسی برای تعدیل این وضعیت توجه به موضوع کارآفرینی به‌ویژه برای دانش‌آموختگان دانشگاهی است. بنابراین، سیاست‌گذاران و متصدیان آموزش عالی باید با بسترسازی‌های مناسب اعم از قانونی، زیرساختی، فرهنگی و اجتماعی زمینه را برای ورود هرچه سریع‌تر دانشگاه‌ها به عرصه اصلی فعالیت خود در انجام مأموریت و رسالت جدید (کارآفرینی) فراهم کنند تا هم برای خود و هم برای جامعه تولید ثروت به همراه داشته باشند.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود (۱۳۸۱). آیا کارآفرینی استراتژی دانشگاه را تغییر می دهد. رهیافت، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۲، صص: ۲۵-۱۵.
- احمدی، محمد (۱۳۸۵)، نیازسنجی آموزش کارآفرینی در دانشجویان دوره کارشناسی رشته برق دانشکده فنی دانشگاه تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روان شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، رویکردهای متفاوت در علوم رفتاری، تهران، نشر دیدار.
- جعفری مقدم، سعید؛ فخارزاده، آرزو سادات (۱۳۹۰). توسعه نگرش کارآفرینانه در کتاب‌های درسی (مطالعه موردی: کتاب‌های فارسی دوره دبستان). فصلنامه علمی پژوهشی توسعه کارآفرینی، سال سوم، شماره یازدهم، صص ۶۶-۴۷.
- رضایی، بیژن (۱۳۹۲). ارائه الگوی کارآفرینی دانشگاهی با تأکید بر ارتباط صنعت و دانشگاه. رساله دکتری مدیریت آموزشی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- شریفی، آریتا (۱۳۹۱). بررسی کارایی و تناسب آموزش‌های ارائه شده در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی با نیازهای آموزشی جهت ایجاد و ارتقاء کارآفرینی. ماهنامه مهندسی مدیریت، سال پنجم، شماره چهل و ششم، صص ۶۲-۵۳.
- شکاری، عباس و همکاران (۱۳۸۸)، مقایسه کارایی برنامه درسی کارآفرینی برای بهینه‌سازی محتوا در دانشجویان رشته‌های مختلف فنی و حرفه‌ای (مطالعه موردی: کاشان)، چکیده مقالات اولین همایش ملی کارآفرینی دانشگاه کاشان.
- سالازار، میلتو (۱۳۸۳). مقدمه‌ای بر کارآفرینی، ترجمه سیامک نطق. چاپ اول، سازمان ملی بهره‌برداری ایران.
- صالحی، سعید و برادران، مسعود (۱۳۸۴). راهکارهای به کارگیری کارآفرینی در آموزش کشاورزی، مجموعه مقالات همایش ملی کارآفرینی، صص ۳۱۶-۲۹۷.
- صفرزاده، حسین؛ فرهنگی، علی اکبر (۱۳۸۶). کارآفرینی. تهران: انتشارات مرکز دانشگاه تهران، با همکاری مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، صص ۷۲.

ندیو خانلو، سمیرا (۱۳۸۷). تدوین الگوی انتقال تجاری دانش و الزامات کارآفرینی دانشگاهی (بر اساس مقایسه روش‌های پنج دانشگاه معتبر جهان). پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

- Agarwal, R., & Prasad, J. (2014). A conceptual and operational definition of personal innovativeness in the domain of information technology. *Inf Syst Res*, 9 (2):204–215.
- Atkinson, J., & Raynor, J. (1974). *Motivation and achievement*. Winston: Washington.
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2007). *Research Methods in Education*. London: Routledge.
- Etzkowitz, H., Splund, P., & Nordman, N. (2001). Beyond Humboldt: Emergence of Academic Entrepreneurship in the U.S & Sweden. *CERUM, Working paper*.
- Fayolle, A., Gailly, B., & Narjisse, L. (2006). Effect and counter-effect of entrepreneurship education and social context on student's intentions. *Studios de Economic Applicate*, Vol. 24, No. 2, pp. 509 – 523.
- Grote, G., & James, L. (1991). Testing behavioral consistency and coherence with the situation response measure of achievement motivation. *Multivariate Behav Research*, 26:655–691 doi: 10.1207/s15327906mbr2604_5.
- Gürol, Y., & Atsan, N. (2005). Entrepreneurial Characteristics among University Students and Training in Turkey. *Education and Training, Vol. 48, Issue, 1*, pp. 25-38.
- Hansemark, O. (2003). The effects of an entrepreneurship program on need for achievement and locus of control of reinforcement. *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, Vol. 4, No. 1, pp.28–50.
- Ho, T., & Koh, H. (1992). Differences in psychological characteristics between entrepreneurially inclined accounting graduates in Singapore. *Entrep Innov Change*, 1:243–254.
- Kirkwood, j. (2007). Igniting the entrepreneurial spirit: is the role parents play gendered? *International Journal of Entrepreneurial Behaviour and Research*, Vol. 13, No. 1, pp.39–59.
- Kliem, R. L., & Ludin, L. S. (2000). *Reducing Project Risk, Hampshire*. Gower: Publishing Company.
- Koh, H. (1992). Differences in psychological characteristics between entrepreneurially inclined accounting graduates in Singapore. *Entrep Innov Change*, 250–266.
- Levie, J. (1999). Entrepreneurship: my thane Reality. *Science & Public Affairs*, (17). pp. 24-25.
- Linan, F., Rodriguez-Cohard, J., Rueda-Cantuche, C., & José, M. (2011). Factors affecting entrepreneurial intention levels: a role for education. *International Entrepreneurship and Management Journal*, Vol. 7, No. 2, pp. 195-218.

- McClelland, D. (1987). Characteristics of successful entrepreneurs. *Journal of Creative Behavior*, Vol. 21, pp.219–233.
- Nabi, G., & Linan, F. (2011). Graduate entrepreneurship in the developing world: intentions, education and development. *Education and Training*, Vol. 53, No. 5, pp. 325 – 334.
- Rasmussen, E., & Srheim, R. (2006). Action – based Entrepreneurship Education. *Technovation*, (26). pp. 185- 194.
- Rol, Y., & Atson, N. (2014). Entrepreneurial characteristics amongst university students: Some insights for entrepreneurship education and training in Turkey. *Education+Training*, 48 (1). Pp25-38.
- Ropke, J. (2006). *Knowledge Mobilization and Academic*.
- Rothaermel, F., Agung, S., & Jiang, L. (2007). University entrepreneurship: a taxonomy of the literature. *Industrial and Corporate Change*, 16 (4), 691–791.
- Sanchez, J. c. (2011). University training for entrepreneurial competencies: Its impact on intention of venture creation. *International Entrepreneurship and Management Journal*, Vol. 7, No. 3, pp. 239-254.
- Siegel, D., Veugelers, R., & Wright, M. (2007). University commercialization of intellectual property: Policy implications. *Oxford Review of Economic Policy*, 23(4), 640-660.
- Utsch, A., & Rauch, A. (2011). Innovativeness and initiative as mediators between achievement orientation and venture performance. *European Journal of Work and Organizational Psychology*, 9 (1). 45–62.
- Wilson, F., Kickul, J., & Marlino, D. (2007). Gender, entrepreneurial selfefficacy, and entrepreneurial career intentions: Implications of entrepreneurship education Entrepreneurship. *Theory and Practice*, Vol. 31, No. 3, pp. 387-406.